



واکاوی نگرشی بر جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا و دیگر جرائم در فقه امامیه

پدیدآورنده (ها) : فتاحی وانانی، فتاح؛ سلطانی، عباسعلی

فلسفه و کلام :: نشریه مطالعات فقه امامیه :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۹ (علمی-ترویجی)

صفحات : از ۱۸ تا ۳۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1343749>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- کالبدشناسی کاربران شبکه های اطلاع رسانی
- مراحل رشد تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی (ع)
- واکاوی تطبیقی حرمت‌های ابدی ازدواج در فقه امامیه و زیدیه با رویکرد حقوقی
- بررسی جامعه شناختی تأثیرات طب ایرانی - اسلامی بر نظام طب چینی (مطالعه ی موردی: تالیف کتاب «هوی هوی یائو فانگ» در چین)
- میزان و ابعاد اعتماد اجتماعی در میان کاربران اینترنت
- اثربخشی معنادرمانی بر افسردگی، اضطراب و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان
- محتوا و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی(ع)
- مهدی علی خان بهادر و سیاست‌های بریتانیا در ایران
- آسیب شناسی تربیت دینی جوانان در مسائل عبادی از دیدگاه آیات و روایات
- اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی (MBSR) در کاهش استرس، اضطراب و افسردگی و افزایش خودکارآمدی در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس
- نقد و بررسی دیدگاه سقراط درباره شناخت و نقش آن در انگیزش اخلاقی انسان با استفاده از کلام امام علی(ع)
- راهکارهای رفع موانع ارتباطات انسانی از منظر قرآن و روایات با رویکرد تربیتی

عناوین مشابه

- اثر ریاست زوج بر حریم خصوصی زوجه در حقوق افغانستان و ایران با تأکید بر فقه حنفی و امامیه
- واکاوی دیدگاه علامه حلی در کتب فقهی ایشان با نگاهی به مشهور فقهای امامیه درباره تنازع زوج و زوجه در اثاثیه منزل
- نگرشی فقهی بر قلمرو اطاعت زوجه از زوج در گردشگری
- شهادت بر زنا؛ بررسی نظریه های فقهای امامیه در اعتبار کیفیت خاص در مشاهده
- کیفیت رویت در شهادت بر زنا از دیدگاه فقهای امامیه
- واکاوی جرائم اولیه و ثانویه سبز و مجازات آن در قوانین جزائی ایران، با تأکید بر مبانی فقه امامیه
- نگرشی بر تکلیف زوج در خصوص حق مسکن و اثاث البیت زوجه بعد از طلاق
- خشونت خانگی زوج علیه زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار)
- اعتبار شهادت زوج علیه زوجه زانیه در فقه امامیه و پیامدهای حقوقی آن
- واکاوی فضایی جرم در استان‌های ایران با تأکید بر شاخص های سرقت

واکاوی نگرشی بر جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا و دیگر جرائم در فقه امامیه*

□ فتاح فتاحی وانانی**

□ عباسعلی سلطانی***

چکیده

این موضوع از دیرباز توجه فقهای امامیه را به خود جلب کرده است، آن‌چنان‌که در مسیر تطور تکامل دانش فقه اقوال متفاوتی را با استناد به ادله اربعه ابراز داشته‌اند: برخی شهادت زوج را پذیرفته و حد را بر زوجه اجرا کرده‌اند، برخی با شرط عدم قذف قبل از شهادت، حد را بر زوجه جاری دانسته؛ برخی قائل به لعان زوج و حد سه شاهد شده‌اند، برخی بین شهادت بر زوجه غیرمدخول‌بها و مدخول‌بها تفاوت گذاشته و برخی دیگر حد را از زوجه و سه شاهد ساقط دانسته‌اند. قانون مجازات نیز با توجه به مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ شهادت زوج را مجاز ندانسته است.

در این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی، اقوال فوق و نظرات مربوط به شهادت زوج بر زوجه در دیگر جرائم به تفصیل با ذکر دلایل هرکدام تحلیل و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: شهادت، شهادت زوج، شهادت زوجه، جرائم، زنا.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۲۰.

*** دانشیار فقه و مبانی و حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (soltani@um.ac.ir).

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی و حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (fatahfatahi@yahoo.com).

مقدمه

در کتب فقهی این موضوع با سابقه طولانی تحت عنوان «باب جواز شهادة المرأة لزوجها و الرجل لزوجته»، «شهادة الزوج لزوجته و علیها و بالعکس»، «فی ما لو كان الزوج أحد الأربعة الشهود بالزنا» و «باب انه اذا شهد اربعة على امره بالزنى احدهم زوجها» مطرح شده است. سؤال این است: شهادت زوج بر زوجه به طور مستقل پذیرفته می‌شود یا خیر؟ در جرم زنا این شهادت چه جایگاهی پیدا می‌کند؟

از همین رو در باب جایگاه شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) و بالعکس در جرائم اقوال متفاوتی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. عده‌ای ضمیمه شدن شاهد را به شهادت زوج و زوجه له و علیه هم لازم دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۰؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۵۷/۲).

۲. عده‌ای ضمیمه کردن شاهد را به شهادت زوج و زوجه له و علیه هم لازم ندانسته و شهادت آن‌ها را مستقلاً پذیرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۱/۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷/۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴۱۳/۱۴؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۷۸/۴۱؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: ۱۴۱۷/۳؛ ۴۷۴/۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۴۴/۲).

۳. عده‌ای ضمیمه کردن شاهد را به شهادت زوج و زوجه برای هم لازم ندانسته و شهادت آن‌ها را مستقلاً پذیرفته و شهادت زوجه را مقید به حصول اطمینان نوعی می‌دانند و در صورت عدم حصول اطمینان نوعی شهادتشان را نیازمند به ضمیمه می‌شمارند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۸۳/۲۷).

۴. عده‌ای دیگر بین شهادت زوج و زوجه تفاوت قائل شده و شهادت زوج را به صورت مستقل و بدون ضمیمه شاهد دیگر جایز دانسته و شهادت زوجه را در ضمن و با ضمیمه شدن شاهد دیگری جایز دانسته‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۴۲۲/۴۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۴۶۶/۳؛ فیاض کابلی، بی‌تا: ۲۶۷/۳).

۵. عده‌ای شهادت زوج و زوجه را مطلقاً قبول نمی‌کنند. شیخ طوسی این قول را از اهل عراق نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۳۰۰) و ابوحنیفه نیز این قول را برگزیده است (بصری البغدادی، ۱۴۱۹: ۱۶۶/۱۷).

۶. عده‌ای شهادت زوج بر زوجه را پذیرفته و شهادت زوجه بر زوج را جایز نمی‌دانند (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۱۰/۱۷۴). نخعی و ابن ابی لیلی این قول را برگزیده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: همان؛ بصری البغدادی، ۱۴۱۹: همان).

راجه به جایگاه شهادت زوج بر زوجه در زنا نیز اقوال مختلفی به شرح ذیل بیان شده است:

۱. اگر شرایط شهادت حاصل بود زوجه حد می‌خورد؛ و جوب حد زوجه با وجود حاصل بودن شرایط شهادت (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۰؛ همو، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۶؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۳۱۲/۳ - ۳۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۵۸/۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۸/۲).

۲. بر زوجه حد ثابت می‌شود، اگر در ابتدا زوج شهادت داده باشد و زوجه را قذف نکرده باشد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۴۳۰؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۳۴/۳ و...).

۳. زوج، زوجه را لعان می‌کند و سه شاهد حد می‌خورند و اگر زوج ملامنه نکند او نیز حد می‌خورد (صدوق قمی، ۱۴۱۵: ۴۴۰؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۵؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۲۵/۲؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱/۲۲۲ و ۲۲۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۶۸/۲).

۴. قول ابن جنید که بیان می‌دارد اگر با زوجه زناشویی نشده (غیر مدخول بها) باشد، شهادت زوج صحیح است و زوجه حد می‌خورد و اگر با زوجه زناشویی شده (مدخول بها) باشد، شهادت زوج باطل است و بر زوج است که لعان کند و بر سه شاهد دیگر حد جاری می‌شود (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۳۴۳).

۵. قول دیگر از محقق اردبیلی است که نه شهود حد می‌خورد نه مقذوف به خاطر وجود شبهه در اجرای حد در مورد زوجه و شاهدان (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۸/۱۳).

با تکیه به دو مسئله مطرح شده می‌توان به تبیین نکاتی در این موضوع پرداخت.

مفهوم‌شناسی

شهادت

شهادت اسم از مشاهده است (سعدی، ۱۴۰۸: ۲۰۳) و در لغت به معنای حضور و معاینه و اخبار از روی قطع (مشکینی، بی‌تا: ۳۱۹) اقرار از روی علم، خبر قاطع و بینه آمده است (سعدی، ۱۴۰۸: همان؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۷۴-۷۷) و در اصطلاح به معنای اخبار شخص از امری به نفع یکی از طرفین دعوی و به زیان دیگری (امامی، بی‌تا: ۱۸۹/۶) است. در اصطلاح فقها شهادت گاهی به معنای تحمل شهادت، یعنی گواه شدن است، و گاهی به معنای ادای شهادت یعنی گواهی دادن است و شاهد یا گواه کسی است که وجود امری را به نفع یکی از متداعیین و زیان دیگری اعلام می‌دارد (میرداماد، ۱۴۰۶: ۵۸/۳ و ۵۹).

قانون‌گذار نیز شهادت را این‌چنین تعریف کرده است: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است» (قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۷۴). سپس قانون‌گذار به تعریف جدیدی از شهادت و با عنوان شهادت شرعی رو آورده و بیان می‌دارد: «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است، اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد» (همان، ماده ۱۷۵). از همین رو شرایطی را برای این شهادت شرعی بیان می‌دارد: «الف. بلوغ؛ ب. عقل؛ پ. ایمان؛ ت. عدالت؛ ث. طهارت مولد؛ ج. ذی نفع نبودن در موضوع؛ چ. نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها؛ ح. عدم اشتغال به تکدی؛ خ. ولگرد نبودن» (همان: ۱۷۷).

۱. جایگاه شهادت زوج بر زوجه و بالعکس (له و علیه) در فقه

در باب اینکه آیا شهادت زوج بر زوجه و شهادت زوجه بر زوج جایز است یا خیر، در کتب فقهی فصلی با همین عنوان شکل گرفته و سه حدیث به طور کلی بر جواز و قبول آن به شرح ذیل بیان شده است:

۱. حدیث صحیح (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۹۳/۱۰ و ۲۴۳/۲۴) از حلبی که بیان می‌کند: «تَجُوزُ شَهَادَةُ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ - وَالْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا إِذَا كَانَ مَعَهَا غَيْرُهَا» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۷/۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۲/۷ و ۳۹۳).

۲. حدیث موثق سماعه (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱، ۷۸؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۲/۶؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۱۹/۴۱) که بیان می‌کند: «سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ قَالَ نَعَمْ - وَالْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعَهَا غَيْرُهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹: همان).

۳. حدیث صحیح (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: همان) از ابن مروان که بیان می‌کند: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ * أَوْ قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا - عَنِ الرَّجُلِ يَشْهَدُ لِامْرَأَتِهِ - قَالَ إِذَا كَانَ خَيْرًا جَازَتْ شَهَادَتُهُ لِامْرَأَتِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷: همان و مجلسی دوم، ۱۴۰۶: همان؛ کلینی، ۱۴۰۷: همان).

فقها نیز به استناد این سه حدیث و در جواب این سؤال که شهادت زوج بر زوجه را مستقلاً جایز می‌داند یا شاهد دیگری نیز باید ضمیمه گردد اقوال متفاوتی را به شرح ذیل بیان کرده‌اند:

۱. عده‌ای ضمیمه شدن شاهد را به شهادت زوج و زوجه برای هم لازم دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۰؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۵۷/۲).

ادله

این گروه برای سخن خویش هیچ دلیلی ذکر نکرده‌اند و برخی دلیل این قول را استناد به صحیح ابن مروان و موثق سماعه بیان کرده و با توجه به اینکه این دو حدیث شهادت زوجه را به انضمام دیگری بیان می‌کند، از باب قیاس این حکم را به شهادت زوجه نیز تسری داده‌اند (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۲/۲۵). برخی دیگر صحیح حلبی و موثق سماعه را دلیل این حکم بیان کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۱۴). استناد به صحیح حلبی بدین شکل است که ضمیر «غیرها» به «شهادت» بر می‌گردد نه به «زوجه»، لذا اشتراط وجود غیر شاهد ملاک قبول شهادت است، خواه شاهد زوج باشد خواه زوجه باشد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۱۷۱).

دلیل دیگری نیز در این زمینه بیان شده است که به تفاوت خصوصیات زن و مرد مرتبط است و آن قدرت مزاج مرد و محکم بودن و نفوذناپذیری عقل مرد نسبت به زن بیان شده است. از همین روست که شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است. لذا این طبیعت زن باعث می‌شود که شهادت زوجه به تنهایی پذیرفته نشود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۱۴).

رد ادله

با توجه به متن احادیث، نظر دوم مبنی بر سند قول که صحیح حلبی و موثق سماعه است اولی به نظر می‌رسد از همین رو نیز به دلیل اینکه محل اجرای حکم به طور مطلق قیاس لزوم انضمام زوجه به شاهد دیگر با زوج دانستن صحیح نبوده بلکه قیاس مع الفارق است

دیگر اینکه اگر دو حدیث شهادت زوجه را مقید به شاهد دیگری کرده است به علت این است که شهادت زوجه به صورت مستقل و حتی به همراه یمین نیز پذیرفته نیست و تنها در یک مورد حالت نادری دارد و آن در مورد وصیت پذیرفته می‌شود و در هیچ جایی دیگری پذیرفته نیست. از همین رو در دو حدیث شهادت زوجه، مقید به شهادت دیگری شده است. اینک ضمیر «غیرها» به شهادت بر می‌گردد، اولاً این ارجاع ضمیر خلاف ظاهر است، ثانیاً این ارجاع با موثق سماعه در تضاد است، زیرا در موثق سماعه به وضوح ضمیر «غیرها» به «زوجه» بر می‌گردد نه به «شهادت» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۱۷۱).

درباره تفاوت خلقت زوج و زوجه نیز باید بیان کرد که این حکم تبعیدی است و غالباً این گونه نیست که مرد ارجح به زن خلق شده باشد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۵: همان).

۲. عده‌ای ضمیمه کردن شاهد را به شهادت زوج و زوجه برای هم لازم ندانسته و شهادت آن‌ها را مستقلاً پذیرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۳۰۱/۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۰/۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۷۸/۴۱؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: ۴۷۴/۳؛ موسوی خمینی، بی تا: ۴۴۴/۲).

ادله

۱. اجماع (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: همان؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: همان).
۲. اخبار صحیح حلبی، صحیح ابن مروان و موثق سماعه (حسینی روحانی، ۱۴۱۲: همان؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: همان).
۳. موافق با نظر مشهور بودن خصوصاً قول متأخرین (نجفی، ۱۴۰۴: همان؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: همان).

۴. نبود مخالفی در این قول (شهید ثانی، ۱۴۱۳: همان).

۵. وجود مقتضی که شرایط شاهد است در زوج و زوجه وجود دارد و فقدان مانع که از این اقتضا جلوگیری کند مفقود است. برخی وجود تهمت را یک مانع بیان می‌کنند، در صورتی که محل تهمت بودن زوج و زوجه با وجود وصف عدالت در شرایط شاهد منتفی می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: همان).

رد ادله

۱. با توجه به نظرات مختلفی که در اینجا نیز بیان شده است ادعای اجماع بر این حکم مخدوش می‌باشد.
۲. ارجاع به اخبار نیز مشخص می‌کند که نص خبر، بالاکخص صحیح حلبی و موثق سماعه، دلالت دارد بر اینکه شهادت زوجه را با ضمیمه دیگری جایز می‌داند.

۳. موافق با نظر مشهور دلیل بر حجیت نیست.

۴. با بیان مخالفی همچون شیخ طوسی در نهاییه و دیگر اقوال این ادعا نیز رد می‌شود. مضاف بر اینکه نبود مخالف نشان از حجیت این قول نیست و حداقل مؤید این قول است.

۵. قابلیت نداشتن شهادت زوجه برای اثبات ادعایی حداقلی به سبب عدم بیان این امر در شرع مقدس که هیچ امری را با شهادت یک زن ثابت نمی‌داند. به علاوه، چه مانعی بالاتر از نص حدیث صحیح حلبی و موثق سماعه که شهادت زوجه را به تنهایی جایز نمی‌داند.

۳. عده‌ای ضمیمه کردن شاهد را به شهادت زوج و زوجه برای هم لازم ندانسته و شهادت آن‌ها را مستقلاً پذیرفته و شهادت زوجه را مقید به حصول اطمینان نوعی کرده‌اند و در صورت عدم حصول اطمینان نوعی شهادت‌ش را نیازمند به ضمیمه می‌دانند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۸۳/۲۷).

ادله

این قول شامل دو قسمت است. قسمت اول که همچون قول قبل است با این ادله بیان می‌گردد:

۱. اصل (پذیرش شهادت زوج و زوجه)؛

۲. اطلاق ادله؛

۳. اتفاق فقها؛

۴. اخبار خاص همچون صحیح حلبی و موثق سماعه؛

۵. بیان این قول توسط قدما و متأخرین.

قسمت دوم قول که باعث افتراق این قول از قول قبل شده است و آن حصول اطمینان نوعی است:

وضوح این قول مشخص است و نیاز به دلیل ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳: همان).

رد دلیل

باید گفت: این لزوم ایجاد اطمینان نوعی را از شرع گرفته‌اید یا از عقل. اگر از شرع گرفته‌اید دیگر وضوح معنا ندارد و باید دلیل آن بیان شود. اگر هم این وضوح ناشی از عقل است، چرا فقط نسبت به زوجه جاری شده و زوج را در بر نمی‌گیرد؟ چرا وضوح اطمینان نوعی مقید به زوجه است؟

لذا به نظر می‌رسد مقید کردن کلام زوجه به حصول اطمینان نوعی و به تبع آن مقید کردن قول دوم به این حصول اطمینان نوعی بی‌وجه بوده و این قول را نیز باید همچون قول دوم دانست.

۴. عده‌ای دیگر بین شهادت زوج و زوجه تفاوت قائل شده و شهادت زوج را به صورت مستقل و بدون ضمیمه شاهد دیگر جایز شمرده و شهادت زوجه را در ضمن و با ضمیمه شدن شاهد دیگری جایز دانسته‌اند (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱۱۹/۴۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۴۶۶/۳؛ کابلی، بی‌تا: ۲۶۷/۳).

ادله

۱. اخبار صحیح حلبی و موثق سماعه (موسوی خویی، ۱۴۲۲: همان).

۲. شهادت زن به تنهایی و حتی با یمین چیزی را اثبات نمی‌کند. شهادت زن به تنهایی قابلیت اثبات ندارد (موسوی خویی، ۱۴۲۲: همان).

۳. عده‌ای شهادت زوج و زوجه را مطلقاً قبول نمی‌کنند. شیخ طوسی این قول را از اهل عراق نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۳۰۰) و ابوحنیفه نیز این قول را برگزیده است (بصری البغدادی، ۱۴۱۹: ۱۶۶/۱۷).

دلیل

۱. احتجاج به آیه ۲۱ سوره روم که بیان می‌دارد: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». این مودت و رحمتی که بین زوج و زوجه هست، موجبات ارتیاب و تهمت به آن‌هاست. پس شهادت آن‌ها مطلقاً نسبت به هم پذیرفته نیست (همان).

رد دلیل

۱. مخالف با اخبار صحیح حلبی صحیح ابن مروان و موثق سماعه.

۲. ارتیاب و تهمت با توجه به صفات شاهد که عدالت است بر طرف می‌گردد.

۳. عده‌ای شهادت زوج بر زوجه را پذیرفته و شهادت زوجه بر زوج را جایز نمی‌دانند (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۱۰/۱۷۴). نخعی و ابن ابی لیلی این قول را برگزیده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: همان؛ بصری البغدادی، ۱۴۱۹: همان).

دلیل

۱. زوجه با شهادتش بر زوج ذی نفع است. لذا شهادتش پذیرفته نیست. ولی شهادت زوج بر زوجه به علت عدم نفع جایز است (بصری البغدادی، همان).

رد دلیل

۱. مخالفت با اخبار صحیح حلبی، صحیح ابن مروان و موثق سماعه.

۲. ذی نفع دانستن زوجه و عدم نفع زوج بلا وجه و دلیل است. اگر نفعی هست برای هر دوست، اگر نیست برای هیچ‌یک

نیست.

از همین رو و با توجه به اخبار مطرح شده و اقوال فقها و دلایل آن‌ها در تبیین اقوال خویش و ادله قول چهارم و نبود ردی بر ادله آن و اینکه این قول به نوعی جمع بین دیگر اقوال است، چنین نتیجه گرفته می‌شود که شهادت زوج و زوجه مستقلاً (له و علیه) مورد پذیرش است و شهادت زوجه بر زوج (له و علیه) مستقل پذیرفته نمی‌شود. پس اصل اولی در مورد شهادت زوج بر زوجه استقلال در شهادت است، الا ما خرج بدلیل، و در شهادت زوج بر زوجه اصل عدم استقلال است، الا ما خرج بدلیل.

۲. جایگاه شهادت زوج بر زوجه در زنا

این سؤال راجع به جایگاه شهادت زوج بر زوجه مطرح می‌شود: اینکه اگر چهار شاهد بر زنا دادن زنی شهادت دهند و یکی از این چهار شاهد همسر وی باشد، آیا این شهادت موجب اجرای حد بر زوجه می‌شود یا خیر؟ چند دلیل از آیات و احادیث توسط فقها مورد استناد قرار گرفته و نظرات متفاوتی از آن ناشی شده است. مستندات این قول بدین شرح‌اند:

آیات

۱. آیه ۱۵ سوره نساء: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ؛ و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آن‌ها بطلبید».
۲. آیه ۴ سوره نور: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد (بر مدعای خود) نمی‌آورند، آن‌ها را هشتاد تازیانه بزیند و شهادتشان را هرگز نپذیرید».
۳. آیه ۶ سوره نور: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ؛ و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفت) متهم می‌کنند، و گواهانی جز خودشان ندارند، هر يك از آن‌ها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است».
۴. آیه ۱۳ سوره نور: «لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ؛ چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویانند».

روایات

۱. «عن عباس بن معروف عن عباد بن كثير عن إبراهيم بن نعيم عن أبي عبد الله \times قال: سألته عن أربعة شهدوا على امرأة بالزنا أحدهم زوجها قال تجوز شهادتهم» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۲۸۲).
 ۲. «عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن إسماعيل بن خراش، عن زرارة، عن أحدهما \times : في أربعة شهدوا على امرأة بالزنا، أحدهم زوجها، قال: يلاعن الزوج ويجلد الآخرون» (طوسی، ۱۴۰۷: همان).
 ۳. «عن ابن محبوب، عن نعيم بن إبراهيم، عن أبي سيار مسمع، عن أبي عبد الله \times : في أربعة شهدوا على امرأة بفجور، أحدهم زوجها، قال: يجلدون الثلاثة ويلاعنها زوجها ويفرق بينهما، ولا تحل له أبداً» (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۰/۷۹).
- از همین رو و به استناد به ادله فوق اقوالی در باب شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا حاصل شده است:

۱. اگر شرایط شهادت حاصل بود زوجه حد می خورد (و جوب حد زوجه با وجود حاصل بودن شرایط شهادت). این نظر را شیخ طوسی در طوسی، ۱۴۰۰: و تهذیب (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۰؛ همو، ۱۴۰۷: ۶/۲۸۳)، شهید اول در غایه المراد (شهید اول، ۱۴۱۴: ۳/۳۱۲-۳۱۵)، شهید ثانی در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۰/۲۵۸) و فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع (فیض کاشانی، بی تا: ۶۸/۲) برگزیده‌اند.

برخی دیگر همین قول را به طور مطلق یعنی پذیرش شهادت زوج بیان کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۴۴۲؛ منتظری نجف‌آبادی، بی تا: ۱۲۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱/۶۶۳).

ادله

استناد به خبر ابراهیم بن نعیم که موافق با ظاهر آیه ۶ سوره نور نیز بوده و نقل می‌کند: «قَالَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُمْ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۲۸۲). معنای جواز صحت شهادت است و صحت شهادت یعنی ترتب اثر آن، و آن اجرای حد بر زوجه است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: همان).

خبر ابراهیم بن نعیم و زراره تعارض پیدا کرده و خبر ابراهیم بن نعیم به علت موافقت با ظاهر آیه ۶ سوره نور و آیه ۱۵ سوره نساء مقدم است (شهید اول، ۱۴۱۴: همان).

آیه ۶ سوره نور اطلاق دارد و دال بر ثبوت زنا با شهادت چهار شاهد است. از همین رو لعان در جایی جاری است که برای مرد شاهدی غیر از خودش نباشد. اما اگر با خودش شاهدانی وجود دارد که با وجود آن‌ها چهار شاهد کامل می‌شود، بر زوج لعان واجب نیست (طوسی، ۱۴۰۰: همان؛ طوسی، ۱۴۰۷: همان).

استناد به آیه ۱۵ سوره نساء که حاکمان را مورد خطاب قرار داده و بیان می‌کند که چهار شاهد برای اثبات مدعی کافی است و فرقی نمی‌کند که یکی از آن‌ها زوج باشد یا زوج نباشد و اطلاق شاهد بر زوج صحیح است (شهید اول، ۱۴۱۴: همان).

به علت وجود مقتضی یعنی چهار شاهد بر زنا و نبود مانع حد جاری می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳: همان).

با توجه به توافق کثیری از فقها زوج همچون دیگر شاهدان است.

به خاطر قبول شهادت زوج له و علیه زوجه و نبودن مانعی برای اجرای این قول.

ضعف خبر زراره و مخالفت خبر با اصول مذهب (فیض کاشانی، بی تا: همان).

وجود اصل اولی در قبول شهادت زوج بر زوجه.

رد ادله

حدیث ابراهیم ابن نعیم مجهول است (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۱۰/۱۷۰) و به سبب عباد بن کثیر در سلسله روایان حدیث موثقی نیست (موحدی لنکرانی، ۱۴۲۲: ۲۵۹؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ۸۰؛ منتظری نجف‌آبادی، بی تا: ۱۲۱).

۲. بر زوجه حد ثابت می‌شود، اگر در ابتدا زوج شهادت داده باشد و زوجه را قذف نکرده باشد.

اگر زوج بدون اینکه زوجه را قبل از شهادت قذف کرده باشد شهادت داده باشد و سه شاهد دیگر بعد از شهادت زوج، شهادت دهند، حد بر زوجه ثابت می‌شود. اما اگر زوج در ابتدا زوجه را با قذف زنا کار بداند و سپس همراه سه شاهد دیگر شهادت دهد، شهادت زوج قبول نیست و اگر می‌خواهد همچون سه شاهد دیگر حد نخورد، لعان زوجه بر زوج واجب می‌شود. در این صورت، سه شاهد دیگر حد می‌خورند.

این قول را شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/ ۴۳ و ۴۴) ابن ادریس، (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/ ۴۳۰) ابن حمزه (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۱۰: ۴۱۰)، علامه در قواعد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳/ ۵۳۴) و مختلف (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹/ ۱۳۹) و کتاب حدود از تحریر (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵/ ۳۱۵ و ۳۱۶)، فرزندش فخر الاسلام در کتاب حدود، (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۹۰) و نیز محقق حلی در کتاب حدود، لعان و شرایع (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳/ ۷۷) و مختصر النافع (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۱۷) و جمع دیگری برگزیده اند.

ادله

۱. «عن أبي بصير قال قال ابو عبد الله * لا يَرَجُمُ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ حَتَّى يَشْهَدَ عَلَيْهِمَا اَرْبَعَةُ شُهَدَاءَ عَلَى الْجَمَاعِ وَ الْاِيْلَاجِ وَ الْاِدْخَالِ كَالْمَيْلِ فِي الْمُكْحَلَةِ».

۲. «عن بصير عن أبي عبد الله * قال: لا يَجِبُ الرَّجْمُ حَتَّى تَقُومَ الْبَيِّنَةُ الْاَرْبَعَةُ شُهُودٍ اَنْهُمْ قَدْ رَأَوْهُ يَجَامِعُهَا».

۳. «عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ * قَالَ قَالَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ * لَا يَرَجِمُ رَجُلٌ وَ لَا امْرَأَةٌ حَتَّى يَشْهَدَ عَلَيْهِ اَرْبَعَةُ شُهُودٍ عَلَى الْاِيْلَاجِ وَ الْاِخْرَاجِ».

۴. «عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ * قَالَ: حَدُّ الرَّجْمِ أَنْ يَشْهَدَ اَرْبَعَةٌ رَأَوْهُ يَدْخُلُ وَ يَخْرُجُ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/ ۴۳ - ۴۴ و

۱۰/ ۲-۳)

۵. آیه ۱۵ سوره نساء، چهار شاهد لازم است و فرقی نمی کند که زوج جز این چهار شاهد باشد یا نباشد (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/ ۴۳ و ۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹/ ۱۳۹؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۹۰).

۶. آیه ۶ سوره نور: «لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ اِلَّا اَنْفُسُهُمْ». طبق این آیه زوج یکی از شاهدان می باشد.

۷. آیه ۴ سوره نور: «بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ» چهار شاهد اطلاق دارد و این اطلاق زوج را نیز شامل می شود (طوسی، ۱۴۰۷: همان).

۸. اگر مقدم بر شهادت قذف کرده باشد سه شاهد را برای دفع ضرر از خویش می آورد و هرکس بخواد دفع ضرر از خود

کند نمی توان شهادتش را پذیرفت. از همین رو وقتی که زوج قذف کرده مدعی است و مدعی نمی توان شاهد هم باشد و در این صورت لعان بر زوج ثابت می شود (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/ ۴۳۰).

رد ادله

۱. آنچه در این قول مطرح می شود این است که این قول دو جز دارد: اول عدم قذف در ابتدا؛ دوم پذیرش شهادت زوج. درباره

جزء اول باید گفت: قذف تخصصاً از محل بحث خارج است و در حیطة اقوال مربوط به زنا نمی گنجد و ما بحثمان در مورد

جایی است که زوجه ادعای زنا کرده و سه شاهد بر ادعای خود در کنار شهادت خویش اقامه کرده است، ولی اگر زوج مقدم بر

ادعای زنا زوجه را قذف کرده باشد. در این صورت، دیگر در زمره اقوال مربوط به زنا نگنجد و داخل در بحث دیگری است.

از همین رو و با رد قسمت اول قول، قسمت دوم باقی می ماند و آن پذیرش شهادت زوج است. لذا این قول همان قول اول است

و ادله ای هم که در این قول مطرح شده همان ادله قول اول است.

۲. از همین رو روایات مطرح شده اطلاق دارد و شهادت زوج را در بر می گیرد و توضیحی که در ضمن استنادی که به آیات

قرآن در همین قول شده نیز دال بر این امر است.

۳. دلیل آخری هم که بیان شده که زوج مدعی نمی تواند شاهد هم باشد، با وجود اصل مطرح شده - در فوق که شهادت زوج

را له و علیه زوجه را می‌پذیرد - این قاعده توسط شهادت زوج تخصیص می‌خورد و در این صورت زوج هم می‌تواند مدعی باشد هم شاهد (ما من عام الا و قد خص).

۳. زوج، زوجه را لعان می‌کند و سه شاهد حد می‌خورند و اگر زوج ملاءنه نکند او نیز حد می‌خورد.

این قول را صدوق (صدوق قمی، ۱۴۱۵: ۴۴۰)، ابوصلاح حلبی (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۵)، قاضی ابن براج (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۲۵/۲)، علامه در/ارشاد (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۲) و فرزندش فخر الاسلام در کتاب لعان (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۴۵۷/۳) شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۴: ۱۹۱/۴) و آیت‌الله خویی (موسوی خویی، ۱۴۲۲: ۱/۲۲۲ و ۲۲۳) پذیرفته‌اند و امام خمینی (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۶۸/۲) قائل به رجحان آن شده است.

ادله

۱. استناد به صحیح مسموع (موسوی خویی، همان).

۲. استناد به خبر زراره که بیان می‌کرد: «یلاعن الزوج ویجلد الآخرین».

۳. در تأیید خبر زراره به آیه ۱۳ سوره نور: «لَوْلَا جَاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ» استدلال شده که ضمیر در «جاءوا» به قاذفین بر می‌گردد و زوج از قاذفین است و زوج قاذف باید لعان کند و نوبت به کار دیگری نمی‌رسد و نیز صحیح نیست که گفته شود «جاء الإنسان بنفسه» به این معنا که با نفس خودش آمد. از همین رو شخص در زمره شاهدان قرار نمی‌گیرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱/۲۵۹). نیز مفهوم لفظ «شهداء» که در آیه آمده، غیر از مستشهد است. لذا زوج را در بر نمی‌گیرد (شهید اول، ۱۴۱۴: ۱۹۱/۴). سپس ایشان بعد از بیان این ادله بیان می‌کنند که قول قبلی خویش را تصحیح می‌نمایند و این نظر را بر می‌گزینند.

۴. علاوه بر آن، فخرالمحققین بیان می‌کنند که برای زوج حقی است در اثبات زنا، زیرا در زنا تصرف در حق وی شده و راز و عرض زوج با زنا هتک می‌شود. پس زوج مدعی این حق است که زائل شده است پس شهادت زوج برای خودش قبول نیست و شخص نمی‌شود هم مدعی باشد هم شاهد (علامه حلی، ۱۳۸۷: ۳/۴۵۸؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۵۲۵).

رد ادله

۱. حدیث مسموع نیز مجهول است (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۱۶/۱۵۴؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۲: ۲۶۰؛ منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا:

۱۲۲؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱/۶۶۲). از همین رو استناد به این خبر از حیطة ادله فقها خارج می‌شود.

۲. حدیث زراره نیز مجهول است (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۱۰/۱۷۰) و این به سبب وجود اسماعیل بن خراش است (موحدی

لنکرانی، ۱۴۲۲: ۲۶۰؛ منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا: ۱۲۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۱/۶۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۴۴۰ و ۴۴۱).

۳. در این قول نیز با توجه به اینکه دو خبر مسموع و زراره که مورد استناد بود از ادله ایشان خارج شد از همین رو تأیید گرفتن

آیات قران نیز رد می‌شود. به علاوه، آیات مورد استناد مخصوص باب لعان‌اند و تخصصاً خارج از موضوع بحث‌اند.

دلیل آخری هم که بیان شده که زوج مدعی نمی‌تواند شاهد هم باشد، با وجود اصل مطرح شده - در فوق که شهادت زوج

له و علیه زوجه را مورد پذیرش قرار می‌دهد - این قاعده توسط شهادت زوج تخصیص می‌خورد و در این صورت زوج هم می‌تواند مدعی باشد هم شاهد (ما من عام الا و قد خص).

۴. قول ابن جنید که بیان می‌دارد اگر با زوجه زناشویی نشده (غیر مدخول بها) باشد، شهادت زوج صحیح است و زوجه

حد می‌خورد و اگر با زوجه زناشویی شده (مدخول بها) باشد، شهادت زوج باطل است و بر زوج است که لعان کند و بر سه

شاهد دیگر حد جاری می شود (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۳۴۳).

رد دلیل

۸. حمل این قول بر زوجه غیر مدخول بها حمل بر حالت نادر است و این حالت نادر چگونه می تواند مصداق اطلاق آیات و روایات دال بر این مفهوم باشد. از همین رو جایز نیست بر شارع که در مقام تخاطب امری را به طور مطلق تشریح کند که افرادی نادر را در بر بگیرد اگر هم بگوئیم این قول قاعده ای است که به وسیله اطلاق ادله تخصیص می خورد، این تخصیص به اکثر است که امری مستهجن است.

۵. قول محقق اردبیلی که نه شهود حد می خورد نه مقذوف، به علت وجود شبهه در اجرای حد در مورد زوجه و شاهدان (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳/۳۸).

دلیل: تمسک به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» بدین شکل که در باب اجرای حد بر زوجه و اجرای حد بر سه شاهد شبهه هست و مشخص نیست به کدام یک از طرفین حد جاری می شود. لذا حد از هر دو گروه ساقط می شود.

رد ادله

۸. با توجه به اقوال مختلف مطرح شده نوبت به بیان این قول نمی رسد. به علاوه، این قاعده در جایی جاری است که وحدت مصداق مفروغ عنه باشد، نه اینکه به علت مصداق مختلف یعنی حد بر زوجه و حد بر سه شاهد بیان شود که شبهه ایجاد شده، لذا اجرای حد برداشته می شود.

۳. جایگاه شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) و بالعکس در حقوق

راجع به بررسی این موضوع در مجموعه قوانین ایران باید گفت: قانون گذار به این مطلب اشاره نکرده است، ولی در ماده ۱۷۴ قانون مجازات در تعریف شهادت بیان می کند: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است» (قانون مجازات اسلامی، ۱/۲۲/۹۲، ماده ۱۷۴). این ماده صراحت در این دارد که شهادت زوج و زوجه برای خویش (له و علیه) به علت اینکه طرفین دعوی هستند جایز نیست و نیز به استناد ماده ۱۷۵ همین قانون که شرایط شاهد را بیان می کند بر اساس بند «ج. ذینفع بودن در موضوع؛ چ. نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنها» این ماده که قید ذی نفع بودن و نداشتن خصومت را بیان می دارد، لذا شهادت زوج و زوجه (له و علیه) و بالعکس را نمی پذیرد.

۳. جایگاه شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا در حقوق

قانون گذار در ماده ۱۹۹ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرائم دو شاهد مرد است، مگر در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه با چهار شاهد مرد اثبات می گردد.» اطلاق این ماده شهادت زوج بر زوجه را در بر می گیرد، ولی بر اساس آنچه در مواد ۱۷۴ و ۱۷۵ بیان نموده، این اطلاق را از بین برده و شهادت زوج بر زوجه را نفی می کند.

نتیجه

۱. اصل اولیه در شهادت زوج بر زوجه (له و علیه) پذیرش شهادت زوج است الا ما خرج بدلیل.
۲. اصل اولیه در شهادت زوج بر زوجه عدم پذیرش شهادت زوج است الا ما خرج بدلیل.

۳. نقش شهادت زوج بر زوجه در جرم زنا در ضمن سه شاهد دیگر پذیرفته می‌شود و بر زوجه حد جاری می‌شود.
۴. احادیث مورد استناد فقها در باب جایگاه شهادت زوج در جرم زنا به علت ضعف در سند از حیطة ادله فقها خارج و اطلاق آیات و روایات دیگر در این زمینه کارساز است.
۵. اصل عدم پذیرش شهادت مدعی له و علیه خودش (مدعی نمی‌تواند شاهد هم باشد) در همه جا جاری است الا در شهادت زوج بر زوجه.
۶. قانون‌گذار شهادت زوج و زوجه (له و علیه) و بالعکس را نمی‌پذیرد.



کتابنامه

- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزيز، **المهذب**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق
- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، **الوسيلة إلى نیل الفضيلة**، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ق.
- ابن قدامه مقدسی، ابو محمد موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد بن قدامه (دمشقی الحنبلی) **المغنی لابن قدامة**، قاهره، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، **الکافی فی الفقه**، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین *، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات اسلامیة، بی تا.
- بصری البغدادی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبيب (ماوردی)، **الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی**، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- تبریزی، جواد بن علی، **أسس الحدود و التعزیرات**، قم، دفتر مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، **معجم فقه الجواهر**، بیروت، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت ^، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق، **فقه الصادق ***، قم، دار الکتب - مدرسه امام صادق *، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- حلی، فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف، **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، **جامع المدارک فی شرح مختصر النافع**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، **مهذب الأحکام**، قم، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت الله، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
- سعدی، ابوجیب، **القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً**، دمشق، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، **اللمعة دمشقیة فی فقه الإمامیة**، بیروت، دار التراث - الدار الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- _____ **غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، **المقنن**، قم، مؤسسه امام هادی *، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- _____ **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، **الخلاف**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول،

۱۴۰۷ق.

_____ النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت دار الكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

_____ تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، قم، مؤسسه امام صادق ×، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
_____ قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

_____ مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

فیاض کابلی، محمد اسحاق، منهاج الصالحین، بی جا، بی تا.
فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی ×، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
_____ مفاتیح الشرائع، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، بی تا.
قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۱
قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
کوفی، محمد بن محمد اشعث، الجعفریات - الأشعثیات، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، چاپ اول، بی تا.
مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامية، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
_____ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی نا، بی تا.
مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة، قم، انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب ×، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
منتظری نجف آبادی، حسینعلی، کتاب الحدود، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ اول، بی تا.
موحدی لنکرانی، محمد فاضل، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الحدود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، بی تا.
موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، کتاب الشهادات، قم، جناب مقرر کتاب، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

وحید خراسانی، حسین، منهاج الصالحین، قم، مدرسه امام باقر[×]، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.



**An Inquiry into the Status of Husband's Testimony against Wife in Case of Rape and Other Crimes according to
Imamiyyah Jurisprudence***

Fatah Fatahi Wanani **

Abbas Ali Sultani ***

Abstract

This subject has long drawn the attention of Shia jurists who have, over the history of the development of jurisprudence, expressed their views and thoughts with reliance on the four major sources of the Shi'i thought. Some have accepted the husband's testimony and executed penalty on the wife. Some have allowed penalty on the wife on the condition that the husband should not have already falsely accused her of adultery, some have said that the husband should do *le'an* which is to curse his wife as well as execute penalty on the three witnesses. Some others have differentiated between a wife with whom her husband has had sexual intercourse and one who her husband has never been in bed with. There is also yet another group of jurists who are of the view that punishment is not given to the wife and the three witnesses. Based on articles 174 and 175 of the criminal code of Islamic Republic of Iran, the husband's testimony has not been considered allowable and cannot be acted upon.

This article seeks to analyze and describe the foregoing opinions and standpoints with regards to the testimony of husband against his wife in matters pertaining to rape and other crimes. Each argument and viewpoint has been presented, analyzed and discussed independently.

Keywords: testimony, testimony of husband, testimony of wife, crimes, adultery.

* Date of submission: 20/5/2017 Date of acceptance: 11/7/2017.

** PhD student, Jurisprudence and Principles and Islamic Law, Firdousi University of Mashhad (fatahfatahi@yahoo.com).

*** Associate professor, Jurisprudence and Principles and Islamic Law, Firdousi University of Mashhad (soltani@um.ac.ir).